

محدودیت‌های تجاری و بلایای طبیعی امنیت غذایی مردم جهان را به خطر انداخته‌اند

اشاره:

با وجود حدود یک میلیارد انسان در کره زمین که با مشکل تأمین غذا مواجه هستند، بحث «امنیت غذایی» از مقولاتی است که در سطح جامع بین‌المللی مورد توجه و پیگیری قرار گرفته است. دسترسی انسان‌ها به غذا برای داشتن زندگی سالم از حقوق اساسی بشر است، لیکن وجود موانع طبیعی و غیرطبیعی سبب شده است که تقریباً یک‌ششم جمعیت جهان که بخش عمده آنها در کشورهای فقیر و در حال توسعه زندگی می‌کنند، به غذای کافی دسترسی نداشته باشند.

با وجود مباحثی که در خصوص حقوق بشر در جهان و به ویژه از سوی کشورهای قدرتمند مطرح می‌شود، گرسنگی چنین جمعیت کثیری، ننگی برای بشریت تلقی می‌شود. جامعه بین‌المللی به ظاهر قصد دارد که با پدیده گرسنگی و سوءتغذیه مبارزه کند، اما آنچه از سوی کشورهای ثروتمند در این زمینه صورت می‌گیرد، فقط با هدف کسب سهم بیشتر در بازار جهانی مواد غذایی و جلوگیری از افت بهای این کالاها که جزو نیازهای اساسی کشورهای فقیر و در حال توسعه است، می‌باشد و ردپای هیچ دیدگاه بشردوستانه‌ای در این ماجرا مشاهده نمی‌شود.

در این مقاله قصد داریم، خوانندگان محترم نشریه «بررسی‌های بازرگانی» را با مقوله امنیت غذایی در جهان و نیز در میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی آشنا سازیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دریافت ارزش‌های غذایی مورد نیاز جامعه می‌باشد.

در گذشته عنصر اصلی و پایه «امنیت غذایی»، تولید مواد غذایی در کشورها بود، اما اکنون با گسترش تجارت بین‌المللی و تأمین نیازهای مردم از طریق تجارت (صادرات و واردات)، دیگر فقط امنیت غذایی بر مبنای تولید داخلی مورد قضاوت قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر تولید و عرضه مواد غذایی الزاماً به معنی دسترسی یکسان تمام اقشار جامعه به

عنصر موجود بودن غذا، تنها به میزان تولید مواد غذایی در مرزهای ملی که در گذشته عنصر اصلی امنیت غذایی بود، تکیه ندارد و امروزه شامل تولید (عرضه داخلی) و واردات مواد غذایی می‌باشد.

مفهوم واژه «موجود بودن غذا» نیز دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع جهت تأمین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه است و معنا و مفهوم پایداری در دریافت غذا، ثبات و پایداری

برای امنیت غذایی، تعریف جامعی که در سطح بین‌المللی پذیرفته شده، وجود دارد. بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به صورت «دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم» تعریف کرد که این تعریف در کنفرانس رم مورد تأکید قرار گرفت. این تعریف بر سه عنصر «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذا» و «پایداری در دریافت غذا» استوار است.

قرار گیرد، اینگونه جوامع همواره با آثار سوء تغذیه ناکافی مردم مواجه خواهد شد و انسان‌ها که عامل اصلی توسعه پایدار می‌باشند از سلامت جسمی و روانی لازم برای ارتقای بهره‌وری برخوردار نخواهند بود. در همین حال هزینه‌های بهداشت و درمان به ویژه برای کشورهای روبه رشد فزونی خواهد گرفت. از آنجا که این گروه کشورها همواره با کمبود درآمد مواجه می‌باشند، قادر نخواهند بود که هزینه‌های بهداشتی و درمانی را تأمین کنند و مرگ و میر و سوء تغذیه موجبات از بین رفتن میلیون‌ها انسان در کسره خاکی را فراهم خواهد ساخت که فاجعه‌ای دردآور است.

بر اساس گزارش سازمان خواروبار و کشاورزی در سال ۱۹۹۸ تولید جهانی مواد غذایی اساسی به شرح جدول شماره (۱) بوده است. چنانچه سرانه تولید جهانی مواد غذایی بر مبنای جمعیت ۶ میلیارد نفری دنیا را محاسبه کنیم، (بدون در نظر گرفتن ضایعات و جداسازی غذای حیوانی از غذای انسانی)، سرانه تولید برنج به ۶۴ کیلوگرم، گندم ۹۸/۵ کیلوگرم، گوشت ۳۷/۶ کیلوگرم، روغن نباتی ۱۴/۳۶ کیلوگرم و شکر به ۲۵۱/۸ کیلوگرم در سال ۱۹۹۸ می‌باشد. اگر توزیع مواد غذایی در جهان یکنان صورت می‌گرفت، جمعیت جهان با هیچگونه کمبود مواد غذایی روبه‌رو نمی‌شد. اما آمارهای واقعی نشان می‌دهد که نزدیک به یک چهارم جمعیت جهان با گرسنگی و سوء تغذیه مواجه می‌باشند.

به عقیده کارشناسان، امنیت غذایی مقوله‌ای فراتر از تولید اینگونه مواد است و عناصری مانند دسترسی اقتصادی، وجود بازارهای مناسب، دانش و آگاهی از ضروریات برقراری امنیت غذایی است.

متأسفانه با گذشت نزدیک به یک دهه از کنفرانس رم، شمار گرسنگان در دنیا رو به افزایش نهاده و تلاش‌های در سطح بین‌المللی برای برقراری امنیت غذایی به ویژه در کشورهای فقیر و در حال توسعه، با توفیق در خور توجهی مواجه نشده است.

با وجود گسترش دامنه علم و فناوری که افزایش بازده در هکتار اراضی کشاورزی را سبب شده و تولید جهانی محصولات غذایی را بالا برده است، عوامل غیرطبیعی (دسترسی اقتصادی، بازارهای مناسب، تحریم‌های اقتصادی و ...) بیش از بلایای طبیعی (مانند سیل، خشکالی و ...) که تولید محصولات کشاورزی را تهدید می‌کند، موجبات برهم خوردن امنیت غذایی را برای ساکنان کشورهای فقیر و در حال توسعه فراهم ساخته است. به عقیده کارشناسان، در هزاره سوم میلادی جامعه بین‌المللی می‌بایست نیات و مقاصد بشردوستانه برای ایجاد امنیت غذایی را بیشتر دنبال کند و تلاش‌های بین‌المللی در این زمینه گسترش یابد.

از آنجا که نیروی انسانی از عوامل مهم توسعه اقتصادی پایدار تلقی می‌گردد. چنانچه امنیت غذایی در جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه بیش از پیش مورد تهدید

مواد غذایی نمی‌باشد و در واقع تولید و عرضه یکی از پایه‌های امنیت غذایی است. توزیع ناعادلانه درآمدها در میان اقشار مختلف جامعه و وجود اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در هر جامعه‌ای، سبب می‌شود که دسترسی افراد به مواد غذایی به طور یکنان میسر نگردد.

با وجود افزایش تولید مواد غذایی در جهان، امروزه به لحاظ انواع محدودیت‌ها مانند فقدان دسترسی به بازار، کمبود درآمد در سطح ملی و خانوار، بی‌ثباتی در عرضه و تقاضا، بلایای طبیعی، حوادثی نظیر جنگ و درگیری‌های مسلحانه و ... مردم بسیاری از کشورهای در حال توسعه به غذای کافی دسترسی ندارند.

در بیانیه کنفرانس جهانی غذا (کنفرانس رم)، وجود بیش از ۸۰۰ میلیون نفر انسان که به مواد غذایی برای رفع نیازهای اساسی دسترسی ندارند، غیرقابل تحمل توصیف شده است. کشورهای حاضر در نشست رم متعهد شدند، برای دسترسی همگان به مواد غذایی تلاش کنند و رفع فقر از طریق مشارکت زنان، اجرای سیاست‌های عرضه پایدار مواد غذایی در سطح خانوار، منطقه، ملی و جهان مورد تأکید قرار گرفته است.

در همین حال اجرای سیاست‌های تجاری برای کمک به امنیت غذایی از طریق تجارت متصفانه و مبتنی بر نظام تجارت جهانی برون‌نگر و مقابله با بلایای طبیعی از دیگر مصوبات کنفرانس رم برای ایجاد امنیت غذایی در سطح بین‌المللی بود.

جدول شماره ۱

شرح	برنج (میلیون تن)	گندم (میلیون تن)	گوشت (میلیون تن)	روغن نباتی (میلیون تن)	شکر
تولید	۳۸۴/۸	۵۹۳/۳	۲۲۲/۴	۸۶/۲	۱۵۱۰/۸۶ (میلیون تن)
واردات	۲۲/۵	۱۲۷/۶	۲۱/۳	۳۵/۸	۱۷۵/۶ (هزار تن)
صادرات	۲۷/۹۸	۱۲۸/۳	۲۲/۹۸	۳۶/۸	۱۴۷/۶ (هزار تن)
غذای حیوانی	۹/۹۶	۹۵/۴	۷۴/۷	۱۱۶	۳۰/۷ (میلیون تن)
غذای انسانی	۳۴۱/۳	۴۲۰/۴	۲۱۹/۲	۵۹/۱	۲۵/۷ (میلیون تن)
ضایعات	۱۷/۶	۲۵/۶	۱/۰۴	۰/۱۳۳	۱۰/۱۲ (میلیون تن)

بررسی‌های آماری همچنین نشان می‌دهد، تجارت جهانی گندم در سال ۱۹۹۸ به ۲۱/۶ درصد تولید آن در جهان، برنج به ۷/۲۵ درصد، گوشت به ۹/۵ درصد و روغن نباتی به ۴۲ درصد تولید جهانی آن بالغ شد.

این آمارها همچنین نشان می‌دهد که بخشی از تولید جهانی کالاهای اساسی به صورت ضایعات در هنگام برداشت و حمل و نقل این محصولات از دست می‌رود. این ضایعات برای گندم و برنج تقریباً معادل ۵ درصد تولید جهانی آنها است.

با این وصف، ایجاد شرایط مناسب برای دسترسی به مواد غذایی و جلوگیری از ضایعات آنها، از راه‌حل‌های اساسی برای رفع سوءتغذیه مردم جهان است. آنچه مسلم است، جامعه جهانی می‌بایست از طریق اتخاذ راه‌کارهای مناسب، امکان دسترسی به غذا و پایداری امنیت غذایی را برای تمام مردم فراهم آورد. ارایه کمک‌های اضطراری غذایی به کشورهای مواجه با قحطی و گرسنگی به ویژه دوران

قهر طبیعت (بروز بلایایی مانند سیل، خشکسالی و ...)، بهبود تغذیه زنان به ویژه در دوران بارداری و شیردهی و کودکان از طریق ارایه خدمات غذایی، بهداشتی و درمانی، مبارزه با برنامه‌های تحریم اقتصادی و ... می‌تواند آثار سوءتغذیه در نیروی انسانی را از بین ببرد.

امنیت غذایی در کشورهای مسلمان (اعضای سازمان کنفرانس اسلامی) نیز اهمیت درخور توجهی دارد. بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) میزان تولید محصولات غذایی اساسی در سال ۱۹۹۸ به شرح جدول (۲) می‌باشد.

همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)، در خصوص برنج تقریباً در حد خودکفایی، در خصوص گوشت با کمبود سالانه حدود ۲ میلیون تن، در خصوص روغن نباتی و شکر با مازاد عرضه و در خصوص گندم سالانه با ۱۰ میلیون تن کمبود مواجه هستند. خالص تجارت برنج این گروه

کشورها سالانه ۷/۲ میلیون تن کسری را نشان می‌دهد که از طریق واردات تأمین می‌شود، اما در خصوص گندم این کسری به مراتب بیشتر و سالانه حدود ۴۰ میلیون تن می‌باشد، در حالی که نزدیک به ۱۰ درصد تولید گندم آنها به صورت ضایعات از دست می‌رود. در خصوص گوشت نیز آنها سالانه حدود ۲ میلیون تن کسری دارند که کمتر از ۱/۵ میلیون تن آن از طریق واردات جبران می‌شود، اما در خصوص روغن نباتی، صادرکننده معتبر و در خصوص شکر نیز بی‌نیاز می‌باشند.

اطلاعات بدست آمده از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۸ بیشترین تولید برنج در اندونزی و به میزان ۳۲/۸ میلیون تن و کمترین آن در سوریه به میزان ۷۰ هزار تن صورت گرفت. اندونزی با مصرف ۳۰/۷ میلیون تن، بنگلادش با حدود ۱۸/۷ میلیون تن، مصر با ۲/۶۶ میلیون تن، نیجریه با ۲/۶ میلیون تن، پاکستان با ۲/۴ میلیون تن و ایران با ۲/۱ میلیون

جدول شماره ۲

شرح	برنج (میلیون تن)	گندم (میلیون تن)	گوشت (میلیون تن)	روغن نباتی (میلیون تن)	شکر
تولید	۶۸۰۵۵	۹۰/۹۶	۱۷/۹۶	۲۳/۰۴	۱۵۲/۰۶
واردات	۹/۷۵	۴۵/۵۷	۱/۴۳	۷/۹۷	۴۹۷۰ تن
صادرات	۲۰۵۸	۵/۸۷	۰/۱۵۶	۱۳/۱۲	۲۸۶۱۴ تن
غذای حیوانی	۱۰۱	۸/۱۷	-	-	۱/۱۸
غذای انسانی	۶۸۲۹	۱۰۰/۹۵	۱۹/۰۹	۱۲/۶۲	۵/۴۹
ضایعات	۴/۴	۸/۷۸	۰/۲۶	۰/۹	۰/۴

تن، مصرف کنندگان عمده برنج در میان کشورهای اسلامی بودند. در بین اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، ترکیه با ۲۱ میلیون تن، پاکستان با ۱۸/۶ میلیون تن، ایران با ۱۱/۹ میلیون تن، مصر با ۶ میلیون تن و قزاقستان با ۴ میلیون تن، تولیدکنندگان برتر گندم بودند. در حالی که واردات گندم مصر، الجزایر، اندونزی و ایران در همین سال به ترتیب ۷/۴، ۴/۹، ۳/۴ و ۲/۹ میلیون تن ثبت شده است. در مقابل کشورهای قزاقستان با ۲/۸ ترکیه با ۱/۸ و سوریه با ۰/۴ میلیون تن صادرات گندم، سه کشور عمده صادرکننده این محصول در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به شمار می‌روند.

اطلاعات دریافتی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی همچنین نشان می‌دهد که کشورهای پاکستان، ترکیه، مصر و ایران به ترتیب با مصرف ۱۹، ۱۲/۴، ۹/۵ و ۹/۲ میلیون تن گندم در سال ۱۹۹۸، بالاترین میزان مصرف این محصول را در بین اعضای OIC داشتند. در حالی که بیشترین مصرف حیوانی

گندم در ایران به میزان ۳ میلیون تن، مصر ۱/۱ میلیون تن و ترکیه یک میلیون تن ثبت شده است.

این منابع آماری همچنین نشان می‌دهند که پاکستان با تولید ۲/۲۷ میلیون تن، اندونزی با ۱/۸ و ایران با ۱/۴ میلیون تن گوشت در سال ۱۹۹۸ سه کشور اصلی تولیدکننده گوشت در جهان اسلامی بودند. در حالی که عربستان با صدور ۳۲/۹ هزار تن گوشت عمده‌ترین صادرکننده آن و در همین حال با واردات ۳۹۸ هزار تن اولین واردکننده گوشت در بین کشورهای عضو OIC بودند. میزان واردات گوشت امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۸، ۱۷۷ هزار تن و مصر ۱۳۷ هزار تن ثبت شد.

در زمینه تولید روغن نباتی، مالزی با تولید ۹/۶ میلیون تن، اولین تولیدکننده عمده روغن نباتی در سازمان کنفرانس اسلامی است و پس از آن اندونزی با ۷/۰۷، نیجریه با ۱/۸ و ترکیه با ۱/۱ میلیون تن تولید قرار دارند.

پاکستان با واردات ۱/۴ میلیون تن، ایران با ۱/۱ میلیون تن و مصر با واردات ۷۲۴ هزار تن، سه کشور

عمده واردکننده روغن نباتی در بین کشورهای عضو OIC بودند. در حالی که مالزی با صدور ۸/۸ میلیون تن روغن نباتی و اندونزی با ۳ میلیون تن، رتبه‌های اول و دوم را در این زمینه کسب کردند.

در میان کشورهای اسلامی، پاکستان با تولید ۵۳ میلیون تن شکر در سال ۱۹۹۸ نخستین و جیبوتی با تولید ۵۰ میلیون تن، در بین تولیدکننده عمده شکر بودند. در حالی که بیشترین مصرف به میزان ۲/۲ میلیون تن در پاکستان و کمترین مصرف شکر به میزان ۷ تن در پرونی ثبت شده است.

در جدول شماره (۳) سهم کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تولید، واردات، صادرات و مصرف جهانی مواد غذایی اساسی در سال ۱۹۹۸ میلادی ثبت شده است.

با عنایت به آنکه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی ۲۲/۳ درصد مساحت کشورهای جهان، ۲۰/۵ درصد جمعیت جهان و ۸/۴ درصد تولید ناخالص داخلی جهان (به قیمت‌های جاری در سال ۱۹۹۷)

را در اختیار دارند، بررسی سهم آنها در تولید، تجارت، مصرف و ضایعات مواد غذایی اساسی حایز اهمیت است. بر اساس جدول شماره (۳) سهم آنها در تولید برنج، گندم، گوشت و شکر به نسبت سهم جمعیتی شان کمتر و فقط در تولید روغن نباتی بیش از سهم جمعیتی شان، تولید دارند. با کشورهای با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. سهم کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در صادرات جهانی روغن بیش از سهم جمعیتی و شکر تقریباً متعادل است اما در خصوص برنج، گندم و گوشت سهم نازل تری دارند که از کمی سهم تولید آنها ناشی می‌شود. بررسی سهم غذای انسانی این

البته ضایعات مواد غذایی این کشورها به نسبت تولیدشان در قیاس با ضایعات اینگونه اقلام در جهان، وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. ضایعات برنج تولیدی این کشورها ۶/۵ درصد در مقایسه با ۱۷/۶ درصد در جهان، گندم ۹/۸ درصد در مقایسه با ۲۵/۶ درصد ضایعات جهانی گندم، گوشت ۰/۱۴ درصد در مقایسه با

جدول شماره ۳

شرح	برنج (درصد)	گندم (درصد)	گوشت (درصد)	روغن نباتی (درصد)	شکر (درصد)
سهم از تولید جهانی	۱۷/۶	۱۵/۳	۸/۰۴	۲۶/۷	۱۰/۰۷
سهم از واردات جهانی	۴۳/۱	۳۶	۶/۷	۲۲	۲/۸۲
سهم از صادرات جهانی	۸/۹	۴/۵	۱/۶	۳۵/۶	۱۹/۳
سهم از مصرف غذای حیوانی	۱۰/۱۴	۸/۵	۶/۴	-	۳/۸۴
سهم از مصرف غذای انسانی	۲۰	۲۴	۸/۶	۲۱/۳	۲۱/۰۹
سهم از ضایعات جهانی	۲۵	۳۴/۳	۲/۵	۶۶/۸۶	۴/۰۱
ضایعات به نسبت تولید	۶/۵	۹/۸	۰/۱۴	۰/۴۸	۰/۲۶

رقم جهانی ۱/۰۴ درصد و شکر به میزان ۰/۲۶ درصد در قیاس با رقم جهانی ۱۰/۱۲ درصد می‌باشد. اما در خصوص روغن نباتی، ضایعات تولیدی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به میزان ۰/۴۸ درصد است که بیش از سه برابر ضایعات جهانی ۰/۱۳۳ درصد می‌باشد.

بررسی‌های آماری در سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که متوسط عرضه سرانه انرژی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به میزان روزانه ۲۶۰۴ کالری بود که ۳۰۴ کالری بیش از مقدار استاندارد (روزانه ۲۳۰۰

کشورها به نسبت جمعیتی در خصوص برنج، روغن و شکر متعادل، گندم بیشتر و گوشت به مراتب کمتر است. آمار تکان‌دهنده در خصوص سهم این کشورها در ضایعات مواد غذایی اساسی است. جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که سهم ضایعات برنج، گندم و روغن نباتی این کشورها به نسبت جهان به مراتب بیش از سهم جمعیتی آنها است و لذا این کشورها می‌بایست راه کارهای لازم را در خصوص جلوگیری و کاهش ضایعات مواد غذایی اتخاذ نمایند به ویژه آنکه آنها در خصوص برنج و گندم بیش از دیگر اقلام به واردات نیازمند هستند.

وجود کمی سهم جمعیتی این کشورها در تولید اقلام یاد شده سهم واردات آنها در برنج و گندم به مراتب بیش از سهم جمعیتی آنها می‌باشد. در زمینه شکر به مراتب کمتر است.

کشورهای یاد شده با وجود سهم ۸ درصدی در تولید گوشت، در واردات نیز سهم به مراتب ضعیفی (به میزان ۶/۷ درصد) دارند که می‌تواند در تأمین پروتئین مورد نیاز آنها به صورت عاملی منفی جلوه گردد. در خصوص شکر نیز با وجود سهم اندک در واردات جهانی (۲/۸ درصد) می‌توان نتیجه گرفت که در تأمین انرژی مورد نیاز مردم این

غذایی برخوردار بوده است. هر چند که مشکلات مربوط به تولید و ضایعات کالاهای اساسی در این کشورها به چشم می‌خورد و کشورهای نظیر عراق به لحاظ تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل، در وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای از نظر تأمین غذای مورد نیاز مردم قرار داشتند. موقعیت وخیم عراق به لحاظ ادامه تحریم‌ها کمابیش ادامه دارد.

به عقیده برخی کارشناسان، مقابله با سیاست‌هایی نظیر اعمال تحریم‌های بین‌المللی در سطح کشورهای جهان و ملل اسلامی به خصوص در بعد امنیت غذایی (تأمین کالاهای غذایی اساسی) می‌بایست تداوم پیدا کند.

با توجه به آنکه سازمان جهانی تجارت مقولاتی نظیر آزادسازی تجارت و حذف موانع غیرتعارف‌ای را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است، کشورهای مسلمان عضو این سازمان می‌بایست به تلاش‌های وسیعی برای لغو تحریم‌های اقتصادی به ویژه علیه اعضایشان، مبادرت ورزند.

امنیت غذایی هر کشوری به سلامت نیروی انسانی کمک می‌کند که می‌تواند در فرایند رشد و توسعه اقتصادی پایدار، عاملی کلیدی تلقی گردد و لذا دستیابی به امنیت غذایی برای دولت‌های مردم‌سالار از اولویت بسیاری برخوردار است.

و بیشتر آن به میزان ۰/۱۳۷ مربوط به عراق بوده است.

این بررسی نشان می‌دهد که ۲۹ کشور از ۴۹ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دوره زمانی ۹۶-۱۹۸۶ دارای ضریب تغییرات بسیار نزدیک به صفر (کمتر از ۰/۰۵) بوده‌اند و لذا پایداری در عرضه مواد غذایی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در این دوره زمانی به نسبت زیاد بوده است.

بررسی‌های آماری در خصوص بلوک‌های زیرمجموعه از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی نظیر گروه ۸ کشور مسلمان در حال توسعه (D8) و سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نشان می‌دهد که ضریب تغییرات عرضه انرژی در سال‌های ۹۶-۱۹۸۶ در گروه هشت ۰/۰۴۰، برای اگو ۰/۹۰ و برای سازمان کنفرانس اسلامی ۰/۰۲۲ بوده است.

متوسط عرضه انرژی در گروه هشت در سال ۱۹۹۶ به میزان ۲۸۲۹ کالری و در کشورهای عضو اگو ۲۶۳۱ ثبت شده است.

بر مبنای این آمارها پایداری عرضه انرژی در مجموعه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بیش از میانگین گروه هشت و اگو و متوسط عرضه انرژی گروه ۸ بیش از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی (۲۷۶۹ کالری) و اگو در مجموع می‌توان گفت در دوره زمانی ۹۶-۱۹۸۶ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از امنیت نسبی

کالری) بود. به عبارت دیگر عرضه مواد انرژی در کشورهای OIC به طور متوسط کفایت غذایی هر فرد را کرده است. اما متوسط سرانه عرضه انرژی در کل جهان در سال ۱۹۹۶ به میزان ۲۷۶۹ کالری بود که در این مقایسه کشورهای یاد شده، عقب می‌باشند.

این بررسی نشان می‌دهد که بیشترین عرضه سرانه انرژی در بین کشورهای OIC مربوط به ترکیه با ۳۵۶۸ کالری و کمترین میزان مربوط به موزامبیک با ۱۷۹۹ کالری بوده است. این بررسی همچنین نشان می‌دهد که در ۱۷ کشور از ۴۹ کشور عضو سازمان (در سال ۱۹۹۶)، عرضه سرانه انرژی کمتر از استاندارد بوده که به طور عمده کشورهای آفریقایی مسلمان بودند.

یک شاخص ساده اما با کفایت برای تبیین پایداری در عرضه مواد غذایی. ضریب تغییرات عرضه سرانه انرژی در سال‌های مختلف برای هر کشور. می‌باشد که مقدار آن از تقسیم انحراف استاندارد عرضه سرانه انرژی به میانگین عرضه سرانه انرژی در یک دوره معین بدست می‌آید. این شاخص هر اندازه از صفر دور شود، نشان‌دهنده نوسان بیشتر در عرضه انرژی است و هر کشور که شاخص نزدیک به صفر داشته باشد. پایداری بیشتر در عرضه انرژی را کسب کرده است. بر این مبنای سال‌های ۹۶-۱۹۸۶ کمترین ضریب تغییرات عرضه انرژی به میزان ۰/۰۱۳ مربوط به مصر